



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۲۷ مارچ ۲۰۲۴

انارگل خوستی

## عیب می جمله چو گفتی، هنرش نیز بگوی

متأسفانه یکی از خصائل ما افغان ها فقط عیب را دیدن است و هنر را نادیده گرفتن. اگر تاریخ چند دهه اخیر کشور را مورد بررسی قرار دهیم و هم کلاه خود را قاضی بسازیم، شاید از بدگویی در مورد رژیم فعلی کشور یک اندازه کاسته شود. به ترتیب می پردازیم به حوادث چند دهه اخیر از کودتای وحشت و دهشت و خونبار حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم شروع می کنیم. این خائنین و وطن فروشان چنان وحشت را با بردن به کشتارگاه ها، بندو زندان و شکنجه دادن ها و بند از بند بریدن ها و زنده به گور نمودن ها و ایجاد گور های دسته جمعی در تمام کشور و...، یک وحشت بی نظیر را ایجاد کردند که تعدادی را به ترک وطن مجبور ساختند و تعداد دیگر را روانه زندانها، شکنجه گاه ها و گور های دسته جمعی و پلیگونها نمودند و...، و در نتیجه اکثریت مطلق مردم در مقابل رژیم ملحد کمونیستی با دستان خالی که تنها وسیله مقابله که در دست داشتند بیل، کلنگ، تبر و سوته چوب بود، برای دفاع از ناموس و دین خود به پا برخاستند.

با اشغال وطن توسط شوروی جنایتکار، مقاومت در مقابل اشغالگران شکل گرفت و مجاهدین راه آزادی کشور با دادن جان های شریفین شان وطن را از زیر یوغ خرس شمال نجات دادند. مردم آزاده کشور ما از این سربلندی و افتخار که با دادن خون دو ملیون شهید به آزادی کشور و شکست شوروی منجر گردید، مستفید شده نتوانستند، زیرا تیکه داران جهاد، موفقیت مبارزان راه آزادی وطن را به بیراهه کشیدند و برای گرفتن قدرت یکی به جان دیگر افتادند و از طرف دیگر خائنین رژیم ملحد خلقی و پرچمی برای بیراهه کشاندن جهاد و هم جهت انتقام شکست و سرافکندگی شان با تیکه داران جهاد دست بدست هم داده و بالای مردم محشر بر پا نمودند، زیادتز لازم به توضیحات نیست زیرا همه از آن با خبر هستند.

در این زمان ممالک غربی به سرکردگی امریکا برای اینکه از خونریزی و منهدم ساختن مطلق شهر های افغانستان جلوگیری کرده باشند، مجاهدین حقیقی که باعث شکست و انهدام شوروی سوسیالیستی گردیده بودند، با نظم و ترتیب تحت رهبری ملا محمد عمر تحت نام طالبان راهی افغانستان ساختند و برای شان وعده کمک نیز نمودند. این مجاهدین به مدتی کوتاهی توانستند امنیت را برقرار سازند، اسلحه را جمع آوری کردند، و مزارع کوکنار را از بین بردند. اما ممالک غربی و امریکا به قول خود عمل نکردند آن ها را در میدان رها نمودند و هیچ نوع کمک مالی همراهی شان نشد. من شخصاً شاهد احوال آن وقت افغانستان هستم غربت بیداد می کرد.

از طرف دیگر اسامه بن لادن و الطواهری که توسط همین غربی ها، مخصوصاً امریکا برای تقویه جهاد در دوران جهاد در بین مجاهدین آورده شده بودند و زمانیکه سران جهاد به کابل رسیدند و مخصوصاً وقتی برهان الدین ربانی به کرسی ریاست جمهوری تکیه کرد، به همه اعراب به سرکردگی اسامه بن لادن پاسپورت افغانی اعطاء نمود و در تنگراه برای شان جایداد داد. وقتی طالبان در سال های اول اقتدار شان در میدان خدا و راستی بدون سرمایه رها شدند چاره جز یکجا شدن با اسامه بن لادن (بن لادن) را نداشتند.

بعد از مداخله امریکا و شرکایش و بیرون راندن طالبان از افغانستان، تحفه زهرناک که یک مراتبه آزمایش شده بود بار دیگر به روی صحنه با کمی تغییرات آورده شدند که همانا جنگ سالاران و قومندان های جهادی بودند که دمار از روزگار مردم در آوردند. بدبختی افغانستان تنها جنگسالاران نبود که افغانستان را بین خود تقسیم نموده بودند، بلکه به اصطلاح ایکه بعضی نویسندگان محترم در نوشته های خود می نویسند، تکنوکرات ها هم دست کم از جنگ سالاران نداشتند؛ بلکه دارای مزایای دیگر نیز بودند، یعنی از یک طرف حمایت کشور های حامی شان را داشتند و از طرف دیگر هر کدام شان به یکی از جنگسالاران مربوط بودند، همین بود که تا توانستند استفاده جویی نمودند و بعداً هم راه خود را گرفتند و رفتند اما با وجدان ناآرام. ناگفته نباید گذاشت که تعداد محدودی، بعضی ریفورم ها را در بعضی از وزارت خانه ها روبراه نمودند که برای یک کشور جنگ زده بسیار اندک و ناچیز بود، همه و همه فقط در چور و چپاول دزدی و رهنی و فساد به انواع و اقسام مختلف دست های شان تا شانه های شان آلوده است که خداوند یک روز همه شان را انشالله به جزای اعمال شان خواهد رسانید.

در همان زمان چور و چپاول، شاید یک تعداد که زیاده تر خویشاوندان زور آوران بودند، در ادارات دولتی کار یافتند و یک تعداد دیگر هم در مؤسسات خارجی به کار مشغول شدند، اما اکثریت مطلق

مردم به حالت فقر و گرسنگی بسر می بردند و اطفال شان در کوچه و بازار به کار های مانند بوت پالشی و حمالی و جوالی گری و گدایی مشغول بودند و در همان زمان نیز مردم از غربت و فقر و ناچاری و بیکاری و گرسنگی، اطفال خود را می فروختند و یا به نکاح اشخاص مسن می دادند. فساد اخلاقی به اوج خود رسیده بود.

جای تأسف است که همه این مصیبت ها که قلم از نوشتن آن شرم دارد، فراموش گردیده و شب و روز، راست و چپ به بیهوده گویی در مورد رژیم فعلی پرداخته می شود.

در آن وقت پاکستان سرحد خود را در داخل افغانستان چندین کیلومتر پیش آورده بود و پوسته های سرحدی در داخل خاک ما اعمار نموده بودند، پاکستان هر روز به ولایات جنوبی، کنر و ننگرهار راکت پرانی می کرد و آب از آب تکان نمی خورد.

نویسندگان محترم باید خدای خود را حاضر دیده و قضاوت سالم نمایند.

امارت اسلامی تمامیت ارضی کشور را حفظ نموده و یک سانتی متر به هیچ کشور، مخصوصاً به پاکستان اجازه نمی دهد که به خاک افغانستان پیشروی کند. جواب بمباران پاکستان را طوریکه لازم است، می دهند. فلذا نباید طالبان را که همانا مجاهدین و مبارزین مقاومت علیه شوروی بودند و یا هم پدران و برادران شان در جهاد بزرگ مردم افغانستان نقش اساسی داشتند، به پاکستانی ها نسبت داد.

امارت اسلامی افغانستان در همین مدت کوتاه دست آورد های زیاد دارند، معلومدار انتقاد بسیار شدید همه در مورد تعلیم دختران و خانه نشین ساختن خانم هاست. اما نباید فراموش کرد که در تمام جهان، نمی شود یک حکومت دلخواه و منزله و کامل سراغ نمود که عاری از تمام نواقص بوده و خدمتگذار مردم خود باشد؛ چه اسلامی و چه هم غیر اسلامی.

در هیچ صورت یک کشور با فلج نمودن نصف نفوسش نمی تواند به سوی تعالی و ترقی گام نهد. من هم مانند همه اتباع افغانستان امیدوار هستم که این خالیگاه را همان طوریکه می گویند بتوانند به زودی پُر کنند.

کار های عام المنفعه زیادی را در مدتی بسیار کم به پایه اكمال رسانیدند، اولین کار شان مهار کردن آب های افغانستان است که به بسیار خوبی از عهده آن می برآیند، زیرا با ساختن بند ها، سربند ها و کانال ها از یک طرف انرژی تولید می کنند و از جانب دیگر افغانستان که کشور زراعتی و مالداری می باشد به کمک خدای بزرگ سیستم زراعتی کشور را دوباره استوار خواهند نمود.

پروژه بزرگ کانال قوش تپیه از جمله پروژه های بسیار بزرگ است که تا به حال نظیر آن در افغانستان دیده نشده است. کار قسمت اول کانال را به سرعت تمام نمودند و ساختن قسمت دوم کانال قوش تپیه شروع گردیده است.

این کانال یکی از بزرگترین کانال های آبیاری در افغانستان است.

پروژه کانال قوش تپیه در زمان حاکمیت محمد داود خان شهید در سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۷ طراحی شد ولی به دلایلی کار اعمار آن به تعویق افتاد. مرتبه دیگر در سال ۲۰۱۸ یک شرکت امریکایی در مورد کانال قوش تپیه سنجش نموده و طراحی آن را تکمیل نموده بود، لکن نوات آنوقت برای احداث آن تمایل نشان ندادند. با به قدرت رسیدن طالبان در ماه حمل سال ۱۴۰۱ کار ساخت و ساز آن شروع شد.

احداث این کانال سه مرحله دارد، قسمت اول کانال، که کارش تکمیل شده است، قسمت دوم کانال که کارش شروع شد. بعد از تکمیل شدن کانال دوم، مرحله توزیع آب می باشد. انشاءالله این آزمون بزرگ با موفقیت همراه است. غیر از این کار های زیاد دیگر انجام داده شد و یا در جریان است که قبلاً به آن اشاراتی داشتم.

از اینکه یک تعداد دزدان که وزارت خانه های مهم از قبیل وزرات داخله، وزارت دفاع، وزارت خارجه، ریاست امنیت ملی، معاونین ریاست جمهوری و... در قید شان بود، با شنیدن نام طالبان فرار را ترجیح دادند و تا توانستند از طیارات که در اختیار شان بود پول ها دزدی و همه دار و ندار کشور را بار کردند و گریختند. حالا به بسیار بی ننگی و بی غیرتی در هر طرف لمیده و به ناحق چیغ و فریاد راه انداخته اند که شرم شان باد. چه زالت نبود که در حق کشور و مردمش نکردند.

خواهش من از نویسندگان محترم این است که فعلاً افغانستان عزیز مالک پیدا نموده است، به عوض دشنام و ناسزا گفتن بکشید آن ها را رهنمای خوب باشید، آن ها نمی توانند یک شبه ره صد ساله بروند.

انشاءالله و رحمن که مکاتب و پوهنتون ها هم برای دختران دوباره باز می شود.



---

استقلال- خپلواکی: با کمال احترام نمی توانیم در بسا نکات مطرح شده نوشته فوق، با نویسنده محترم  
همنظر باشیم.